

## • (کیف عرف الله حجتہ ابراهیم (علیه السلام)) ..

### خداوند چگونه حجتش ابراهیم (علیه السلام) را شناساند؟

شکوت للعبد الصالح (علیه السلام) مرة جرأة المخالفين على حجج الله، وعلى قائم آل محمد (علیه السلام) تحديداً، وقلت: (بالنسبة للمخالفين آدونا ويتعرضون لك كثيراً، جعلنا الله وقاء لك بحق فاطمة (عليها السلام)).

یک بار جسارت‌های مخالفین نسبت به حجت‌های الهی و به ویژه قائم آل محمد (علیه السلام) را به نزد عبد صالح (علیه السلام) شکایت بردم و گفتم: مخالفین ما را اذیت می‌کنند و به شما بسیار تعرض می‌نمایند. خداوند به حق حضرت فاطمه (علیها السلام) ما را بلاگردان شما قرار دهد.

فأجابني (علیه السلام): (هم يتجروون على الله دون خوف، وهم يعيشون على أرضه، وهو ممسكها في فضاء يحيطها لو أنه أرسلها لأهلكهم بطرفة عين.

ایشان (علیه السلام) در پاسخ فرمود: «آنها بی‌هیچ ترس و واهمه‌ای نسبت به خدا گستاخی روا می‌دارند و حال آن که بر زمینش زندگی می‌کنند! خداوند زمین را در فضای گرداگردش به گونه‌ای نگاه داشته که اگر آن را رها سازد، آنها در چشم بر هم زدنی نیست و نابود می‌شوند.

الله سبحانه وتعالى لم يأمر إبراهيم (علیه السلام) حتى أن يعرف نفسه لمن يدعوهم بأكثر من أنه داعي الحق (وَأَذَّن فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ) (1).

خداوند سبحان و متعال از ابراهیم (علیه السلام) خواست که خود را برای کسانی که آنها را دعوت می‌کند به چیزی بیش از این عنوان که او دعوت‌کننده به سوی حق است، معرفی ننماید: «(و مردم را به حج فرا خوان تا پیاده یا سوار بر شتران تکیده از راه‌های دور نزد تو بیایند)» (۲).

1. الحج: 27.

2 - حج: 27.

**فقط ادعوهم، أما معرفتك وأنتك محق فهذا المفروض أنهم قادرون عليه ولا يحتاجون أي دليل يدلهم إليه؛ لأنك رسول ربهم الذي خلقهم، فهل يضيع الإنسان ربه الذي خلقه فلا يستطيع الاتصال به وسؤاله؟!**

فقط آنها را دعوت کن. معرفت یافتن نسبت به تو و این که بر حق هستی، موضوعی است که باید خود آنها از پس انجام آن بریبایند و به هیچ دلیلی که آنها را به آن راهنمایی کند، نیاز ندارند؛ زیرا تو فرستاده‌ی پروردگاری هستی که آنها را آفریده است! آیا انسان خدایی که او را آفریده است، گم می‌کند و نمی‌تواند با او ارتباط برقرار کند و از او پرسش نماید؟!

**مشكلتهم أنهم قد ضيعوا ربهم الذي خلقهم، ومن ثم يريدون من رسل الله أن يقهرونها على الإيمان بقدرة خارقة يظهرونها تبين تفوق الرسل وضعفهم هم وعدم قدرتهم على المواجهة.**

مشکل آنها این است که پروردگاری که خالقشان است را گم کرده‌اند؛ از این رو است که از فرستادگان الهی می‌خواهند با قدرت خارق العاده‌ای که از خود نشان می‌دهند و بیان‌گر برتری پیامبران و ضعف آنها و ناتوانایی‌شان در رؤیاریی با پیامبران است، آنها را بر ایمان مجبور و ملزم سازند.

**فأين الإيمان من هذا؟ وأين ربهم الذي نسب نفسه سبحانه وتعالى أنه أقرب من حبل الوريد؟ نعم هم ضيعوا صلتهم بربهم، ثم لم يعاقبهم بل أرسل لهم ما به يهتدون من الآيات، ما أجراهم على الله!!**

به این ترتیب، ایمان کجا است؟ و پروردگار سبحان و متعالی که خود را نزدیک‌تر از رگ گردن توصیف کرده است، کجا جای دارد؟ آری! آنها ارتباط خود با خدا را گم کرده‌اند ولی خدا آنها را مجازات ننموده بلکه برای هدایتشان آیات و نشانه‌هایی چند فرستاده است. اینها چه بسیار بر خدا گستاخ و بی‌باکند!!

**والله، إني لأستحي من ربي أن انتسب لمثل هؤلاء، وهم يواجهونه سبحانه بصلف وخبث منقطع النظير رغم كل ما فيهم من سوء وظلم.**

به خدا سوگند من از خدای خودم شرم می‌کنم از این که خود را به آنها منتسب کنم و حال آن که ایشان با وجود تمام پلیدی و ستمی که در خود دارند، با خودخواهی و خباثی بی‌نظیر، با خدای سبحان رو به رو می‌شوند.

متی یخجل الإنسان من مواجهة ربه الكريم بهذا اللوم والخبث والتحايل؟ وهو يتكلم متحسراً عليهم وكأنه بحاجتهم رغم كل خبثهم في مواجهته وهو خالقهم (يا حَسْرَةً عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِّن رَّسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ) (3).

آیا انسانی با این درجه از فرومایگی و خباثت و فریبکاری، از مواجه شدن با پروردگار کریم و بخشنده‌اش شرم نمی‌کند؟! در حالی که او با دریغ و افسوس با آنها سخن می‌گوید! گویی برخلاف تمام خباثتی که در مواجهه با او روا می‌دارند، در حالی که او خالق آنها است، این خداوند است که به آنها نیاز دارد!!! «ای دریغ بر این بندگان! هیچ پیامبری بر آنها مبعوث نشد مگر آن که مسخره‌اش کردند»<sup>۴</sup>.

\* \* \*

---

3. بیس: 30.

۴ - بیس: 30.